

نقد «نظریه اخلاقی کانت»

(علیرضا آل بویه، مصطفی ملکیان)

دکتر محمد محمدرضایی*

چکیده

این مقال بر آن است تا ترجمه یکی از کتاب‌های مهم در حوزه فلسفه اخلاق، یعنی نظریه اخلاقی کانت را نقد و بررسی کند.

این کتاب را بروس اونی، استاد دانشگاه ماساچوست به انگلیسی نگاشته است که دو تن از مترجمان یعنی آقایان علیرضا آل بویه، و مصطفی ملکیان آن را از انگلیسی به فارسی ترجمه کرده‌اند. ناقد ترجمه این کتاب، چند صفحه از متن انگلیسی را به اجمال بررسی، و خطاهای فاحشی را در آن مشاهده کرده است. امید است که این نقد، تذکاری برای دقت هر چه پیش‌تر مترجمان و اصلاح چاپ‌های بعدی این کتاب باشد.

واژگان کلیدی: اخلاق کانت، نقد، ترجمه، فلسفه اخلاق، مصطفی

ملکیان، علیرضا آل بویه

اخیراً کتابی با عنوان نظریه اخلاقی کانت، نویسنده: بروس اونی، مترجم: علیرضا آل بویه، ویراستار ترجمه: مصطفی ملکیان، ترجمه و تحقیق: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی، ناشر: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی)، چاپ اول، ۱۳۸۱، از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است.

کتاب یاد شده، نقد و بررسی نظریه اخلاقی کانت است که به‌طور عمده بر دو اثر از آثار اخلاقی او یعنی بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق و فلسفه اخلاق متمرکز است. مؤلف درباره این کتاب می‌گوید: امیدوارم کتابم برای متخصصان فلسفه کانت جالب باشد؛ اما آن را برای آن دسته از دانشجویان و استادان فلسفه اخلاق نوشته‌ام که می‌خواهند سهم کانت را درباره موضوع خودشان فهمیده و ارزیابی کنند.

مؤلف این کتاب، بروس اونی [Bruce Aune]

(۱۹۳۳ -) دکتری فلسفه خود را در دانشگاه مینه‌سوتا در

۱۹۶۰ دریافت کرد. در کالج آبرلین دانشگاه پیتزبورگ تدریس کرد و در ۱۹۶۶ به مقام استادی فلسفه در دانشگاه ماساچوست در شهر آموست رسید. او کتاب‌های چندی را نگاشته است.

درباره مترجمان: مسئولیت اصلی ترجمه این کتاب، به عهده آقایان علیرضا آل بویه و مصطفی ملکیان است؛ البته استاد محترم، جناب آقای ملکیان، مقابله متن انگلیسی را با ترجمه فارسی عهده‌دار بوده‌اند که تضمین‌کننده اعتبار ترجمه است. مترجم، در مقدمه کتاب، نام برخی دیگر از مترجمان را ذکر می‌کند که آنان نیز به او مدد رسانده‌اند؛ ولی مسئولیت ترجمه، متوجه آنان نیست. همان‌طور که مؤلف می‌گوید، این کتاب، برای دانشجویان و استادان فلسفه اخلاق نگاشته شده است؛ بنابراین ترجمه چنین کتابی باید با اصل کتاب همسنگ باشد که چنین نیست!

شایان ذکر است که اینجانب به عللی قصد نقد و بررسی آثار استاد محترم جناب آقای ملکیان را نداشتم؛ ولی چون نباید حقیقت را در پای هیچ موجودی قربانی کرد، و از آن‌جا که حتم دارم ایشان نیز از این نقد استقبال خواهند کرد و چون این نقد به پیشنهاد جناب آقای علیرضا آل بویه صورت گرفت، به این نقد پرداختم؛ اما همچنان به آن عزیزان ارادت دارم و توفیق آنان را در عرصه‌های دیگر آرزومندم.

* عضو هیأت علمی دانشگاه تهران.

□ تاریخ دریافت: ۸۱/۹/۲۴ □ تاریخ تأیید: ۸۱/۱۰/۲

در این مقال، قصد پرگویی نیست؛ بدین جهت چند صفحه از متن انگلیسی (۷۰ - ۸۳) و پانزده صفحه از متن فارسی (۱۰۸ - ۱۲۳) که ۳۰۰ صفحه است، یعنی پنج درصد از کل کتاب، گزینش و به اجمال نقد شده است. در این ارزیابی، ابتدا جمله انگلیسی و در مرتبه بعد، ترجمه مترجمان محترم، سپس توضیح ناقد و در آخر، ترجمه پیشنهادی خواهد آمد. امید است که این نوشتار نقد گونه، تذکاری برای دقت هر چه بیش تر و اصلاح چاپ‌های بعدی باشد.

1. To the extent that our motive concerns it, our motive concerns something that, because it is the final end of nature, is an object of absolute, nonrelative value. This justifies calling it an "end", even though, as the object of a rational motive, it is not something that we endeavor to realize or bring into existence.

It might be suggested that, contrary to what Kant says, there is a significant sense in which rational nature can be an end that creatures like us might endeavor to realize. (P. 82)

ترجمه مترجمان محترم: تا آنجا که به غایت ما مربوط می‌شود، انگیزه ما با چیزی سروکار دارد که به دلیل این که غایت نهایی طبیعت است، متعلق ارزش مطلق و غیرنسبی است.

ممکن است گفته شود که برخلاف آنچه کانت می‌گوید معنای مهمی وجود دارد که در آن طبیعت عقلانی می‌تواند غایتی باشد که مخلوقاتی مانند ما تلاش می‌کنند تا آن را محقق سازند. (ص ۱۲۳)

توضیح: مترجمان محترم، بین جمله اول و دوم جمله‌ای سه سطر:

This justifies calling it an "end," even though, as the object of a rational motive, it is not something that we endeavor to realize or being into existence.

را ترجمه نکرده‌اند که ترجمه آن چنین می‌شود: این امر، «غایت» نامیدن آن را توجیه می‌کند؛ حتی اگرچه آن، به صورت متعلق انگیزه عقلانی، چیزی نیست که بکشیم آن را متحقق سازیم یا پدید آوریم.

ترجمه پیشنهادی: تا آنجا که به انگیزه ما در باب آن مربوط می‌شود، انگیزه ما با چیزی سروکار دارد که چون غایت نهایی طبیعت است، متعلق ارزش مطلق و غیرنسبی است. این امر «غایت» نامیدن آن را توجیه می‌کند؛ حتی

اگرچه، آن، به صورت متعلق انگیزه عقلانی، چیزی نیست که بکشیم آن را متحقق سازیم یا پدید آوریم. ممکن است گفته شود....

2. It turns out that, in Kant's view, these two ways of being unable to will that one's maxim shall become a universal law yield two distinct tests for morally permissible action and these tests coincide with the tests associated with the negative and positive treatment of humanity as an end in it self. (P,80)

ترجمه مترجمان: معلوم شد که از نظر کانت این دو طریقی که در آن دو طریق نمی‌توان اراده کرد که قاعده‌ای قانونی کلی شود، دو آزمون مجزا برای عمل از لحاظ اخلاقی غیرمجاز در اختیار می‌گذارد و این آزمون با آزمون‌های در مورد رفتار مثبت و منفی با انسانیت به عنوان غایت فی نفسه منطبق است. (ص ۱۱۹)

توضیح: مترجمان محترم در این ترجمه، گرفتار خطایی فاحش شده‌اند. آنان تعبیر two distinct tests for morally permissible action را به «دو آزمون مجزا برای عمل از لحاظ اخلاقی غیر مجاز» ترجمه کرده‌اند که درست نیست و از «permissible به معنای مجاز است، نه غیرمجاز؛ بنابراین، ترجمه صحیح آن چنین می‌شود: دو آزمون مجزا برای عمل از لحاظ اخلاقی مجاز.

ترجمه پیشنهادی: روشن شد که از نظر کانت، دو طریقی که در آن‌ها نمی‌توان اراده کرد که قاعده‌ای، قانون کلی شود، دو آزمون مجزا برای عمل از لحاظ اخلاقی مجاز در اختیار می‌گذارد و این آزمون‌ها با آزمون‌های مربوط به رفتار مثبت و منفی با انسانیت به صورت غایت فی نفسه منطبق است.

3. On the face of it, C1 places a mere negative restriction on permissible actions: I act in a morally permissible way when and only when I can consistently will that a generalized form of my maxim should be a universal law. (P, 79)

ترجمه مترجمان: برحسب ظاهر، C۳ تنها اعمال مجاز را به طور سلبی محدود می‌کند: من هنگامی و تنها هنگامی به طریقه مجاز اخلاقی عمل می‌کنم که بتوانم بدون تناقض اراده کنم که صورت تعمیم یافته قاعده‌ام قانونی کلی باشد: (ص ۱۱۸)

توضیح: مترجمان در این ترجمه، گرفتار دو خطا شده‌اند:

۱. در متن C1 است؛ ولی آن را به C۳ ترجمه کرده‌اند که

خطاست.

۲. آنان، تعبیر should را که به معنای «باید» است، در ترجمه منعکس نکرده‌اند.

ترجمه پیشنهادی: بر حسب ظاهر، C1، محدودیت سلبی صرف را بر اعمال مجاز روا می‌دارد: من هنگامی و فقط هنگامی به طریقه مجاز اخلاقی عمل می‌کنم که بتوانم بدون تناقض اراده کنم که صورت تعمیم یافته قاعده‌ام باید قانون کلی باشد.

4. Take the second remark first. On the face of it, one would think that if C3 were an essentially negative principle having the same content as C1, the following would be both necessary and sufficient for treating rational beings as ends: (P, 78)

ترجمه مترجمان: نخست نکته اول را در نظر بگیرید. بر حسب ظاهر، شخص فکر می‌کند که اگر C3 ذاتاً اصلی منفی است که محتوای یکسان با C1 دارد، اصل زیر برای تلقی موجودات عاقل به عنوان غایات هم لازم و هم کافی است: (ص ۱۱۷)

توضیح: مترجمان محترم در این ترجمه گرفتار خطایی فاحش شده و تعبیر Take the second remark first را به «نخست، نکته اول را در نظر بگیرید»، ترجمه کرده‌اند که درست نیست. ترجمه صحیح آن چنین است: نخست، نکته دوم را در نظر بگیرید؛ زیرا واژه Second به معنای دوم است نه اول.

ترجمه پیشنهادی: نخست نکته دوم را در نظر بگیرید. بر حسب ظاهر....

5. we act in such a way that we not only do not thwart their permissible ends but endeavor, so far as possible, to realize (or help them realize) those permissible ends. (P, 78)

ترجمه مترجمان: ما به گونه‌ای عمل کنیم که نه تنها غایات مجاز ایشان را از بین نبریم. بلکه تا آنجا که ممکن است در تحقق اهداف آنها تلاش کنیم (یا در تحقق غایات به ایشان کمک رسانیم).

توضیح: تعبیر those permissible ends به «اهداف آنها» ترجمه شده که درست نیست. ترجمه صحیح آن، اهداف مجاز است؛ یعنی در تحقق آن اهداف مجاز بکوشیم یا در تحقق آن غایات مجاز به ایشان کمک برسائیم، نه در غایات یا اهداف آنها به‌طور کلی.

ترجمه پیشنهادی: ما به گونه‌ای عمل کنیم که نه تنها

غایات مجاز ایشان را از بین نبریم، بلکه تا آنجا که ممکن است، در تحقق آن اهداف مجاز بکوشیم (یا در تحقق آن غایات مجاز به ایشان کمک برسائیم).

6. But Kant's thought is perhaps this: Instead of being determined to action by some urge or desire, the will can be determined to action by a willed principle of action (P. 71 - 2)

ترجمه مترجمان: اما شاید نظر کانت این باشد که: به جای این که میل یا شوق، عملی را متعین کند، یک اصل عملی که در باب عمل مراد است، می‌تواند اراده را برای عمل متعین کند.

توضیح: در این ترجمه، خطایی فاحش رخ داده است: تعبیر Insted of being determined to action by some urge or desire

some urge or desire the will است نه معنای مستقل. متن انگلیسی، آن‌گونه که مترجمان معنا کرده‌اند بر آن نیست که بگوید: «میل یا شوق عملی را متعین کند؛ بلکه می‌خواهد بگوید: اراده به عوض این که به وسیله میل و شوق به عمل متعین شود...؛ بنابراین، ترجمه آنان به هیچ وجه درست نیست.

ترجمه پیشنهادی: اما شاید نظر کانت این باشد که اراده به جای این که از طریق میل یا شوق به عمل متعین شود، از طریق اصل عملی که مورد اراده واقع شده است می‌تواند به عمل متعین شود.

7. But perhaps Kant's thought can be clarified by a double use of "ground": he might be saying that the ground of (= the basis for accepting) the categorical imperative is an objectively valid motive that is grounded on (based on the conception of) a thing that, because it is an end in itself, has absolute value for every rational being. (P, 75)

ترجمه مترجمان: ولی شاید بتوان فکر کانت را به وسیله کاربردی دوگانه از زمینه روشن ساخت: ممکن است حرف او این باشد که زمینه (اساس پذیرش) امر مطلق، انگیزه‌ای از لحاظ عینی معتبر است که خود مبتنی است بر (استوار است بر تصوّر از) چیزی که برای هر موجود عاقلی ارزش مطلق دارد. (ص ۱۱۴)

توضیح: مترجمان محترم در این ترجمه، تعبیر because it is an end in itself به سبب این که آن، غایتی فی نفسه است را در ترجمه خود معنا نکرده‌اند که می‌تواند در فهم جمله مؤثر باشد.

9. The violator of the rights of man intends to use the person of others merely as a means without taking into consideration that, as rational beings, they ought always at the same time to be rated as ends—that is, only as beings who must themselves be able to share in the end of the very same action. (P. 77)

ترجمه مترجمان: کسی که حقوق مردمان را زیر پا می‌گذارد بر آن است که از شخص دیگران فقط به منزله وسیله استفاده کند، و ملاحظه نمی‌کند که آن کسان را همیشه و در عین حال باید در مقام غایت، یعنی به عنوان ذات‌هایی که می‌توانند غایت همان عمل [او] باشند، ارج نهاد. (ص ۱۱۶)

توضیح: مترجمان محترم در این جمله، گرفتار چند خطا شده‌اند:

۱. آنان، تعبیر *as rational beings* را که به معنای «به صورت

موجودات عاقل» است، در ترجمه منعکس نکرده‌اند.

۲. آنان تعبیر *only as beings* را «به عنوان ذات‌هایی» ترجمه

کرده‌اند که اولاً *only* ترجمه نشده و ثانیاً *beings* را

«به عنوان ذات‌ها» معنا کرده‌اند که درست نیست و باید

«موجودات» ترجمه می‌شد؛ زیرا مؤلف در متن انگلیسی

برای معنای ذات، تعبیر *nature* را به کار برده است.

۳. آنان تعبیر *themselves* را در ترجمه منعکس نکرده‌اند که به

معنای «خودشان» است.

۴. تعبیر *share* را که به معنای سهم بودن است، معنا نکرده‌اند.

۵. تعبیر *must* نیز در ترجمه نیامده است.

ترجمه پیشنهادی: کسی که حقوق مردم را زیر پا می‌گذارد، بر آن است که از دیگران صرفاً به صورت وسیله استفاده کند، و ملاحظه نمی‌کند که آن کسان را در جایگاه موجود عاقل، همیشه و در عین حال باید به صورت غایت، یعنی فقط به صورت موجوداتی که باید خودشان بتوانند در غایت همان عمل [او] سهم باشند، ارج نهاد.

10. This is however, merely to agree negatively and not positively with humanity as an end in itself unless everyone endeavors also, so far as in him lies, to further the ends of others. (P. 77)

ترجمه مترجمان: ولی البته اگر کسی تا جایی که [غایت مستقل] در او هست برای غایات دیگران نیز نکوشد، این [رفتار، یعنی پرهیز از یاری به شادی دیگران] با انسانیت به عنوان غایتی مستقل فقط هماهنگی منفی دارد، نه مثبت. (ص ۱۱۷)

ترجمه پیشنهادی: ولی شاید بتوان فکر کانت را به وسیله کاربردی دوگانه از زمینه روشن ساخت. ممکن است سخن او این باشد که زمینه (اساس پذیرش) امر مطلق، انگیزه‌ای از لحاظ عینی معتبر است که خود مبتنی است بر (استوار است بر تصور از) چیزی که به سبب این که آن، غایتی فی نفسه است، برای هر موجود عاقلی ارزش مطلق دارد.

8. For to say that in using means to every end I ought to restrict my maxim by the condition that it should also be universally valid as a law for every subject is just the same as to say this - that a subject of ends, namely a rational being himself, must be made the ground for all maxims of action, never merely as a means, but as a supreme condition restricting the use of every means - that is, always as an end. (P. 77)

ترجمه مترجمان: زیرا [گفتن] این که در به کار بردن وسیله برای هر غایت، من باید کردار خود را با این شرط که هم چون قانونی برای هر فاعلی عموماً معتبر باشد محدود کنم، برابر گفتن این است که: اصل بنیادین همه قواعد باید این باشد که موضوع همه غایات، یعنی همان موجود عاقل، هرگز صرفاً به عنوان وسیله به کار نرود، بلکه به منزله برترین شرط محدودکننده [یا قید] به کار بردن همه وسیله‌ها باشد. (ص ۱۱۶)

توضیح: مترجمان محترم در این ترجمه، گرفتار دو خطا شده‌اند:

۱. تعبیر *the ground for all maxims of action* را

«اصل بنیادین همه قواعد» معنا کرده‌اند که ترجمه درستی نیست. اولاً *ground* به معنای زمینه است که خود مترجمان نیز در این کتاب، آن را به همین معنا ترجمه کرده‌اند و ثانیاً *maxims of action* به معنای قواعد عمل است، نه قواعد.

۲. مترجمان، قسمت آخر این جمله را که برای توضیح جمله به کار رفته است، ترجمه نکرده‌اند و آن، تعبیر *that is, always as an end* که معنای «یعنی همواره به صورت غایت» دارد.

ترجمه پیشنهادی: ... زمینه همه قواعد عمل باید این باشد که موضوع همه غایات، یعنی همان موجود عاقل، هرگز صرفاً به صورت وسیله به کار نرود؛ بلکه به منزله شرط اعلائی است که کاربرد همه وسیله‌ها را محدود می‌کند؛ یعنی همواره به صورت غایت است.

را لازمه طبیعت خودش به صورت موجود عاقل می‌بیند.

13. In fact, the ground just mentioned seems to be an ingredient of the categorical imperative for later in the paragraph Kant seems to be saying that "it must be possible to derive all laws of the will" from this "supreme practical ground. (P, 74)

ترجمه مترجمان: در واقع، زمینه‌ای که هم‌اینک ذکر شد، ظاهراً جزئی از امر مطلق است، زیرا کانت بعداً در همین فقره می‌گوید: «همه قوانین اراده را باید بتوان» از این «قانون عملی برترین» استنتاج کرد. (ص ۱۱۳)

توضیح: مترجمان در این ترجمه، گرفتار دو خطا شده‌اند:

۱. واژه seems را که به معنای «ظاهراً» است در ترجمه نیاورده‌اند.

۲. واژه ground را در ابتدای جمله به معنای زمینه، و در آخر آن به معنای قانون به کار برده‌اند که قانون معنای مناسبی برای آن واژه نیست؛ بنابراین، تعبیر «قانون عملی برترین» درست نیست؛ بلکه باید «زمینه عملی برترین» باشد.

ترجمه پیشنهادی: در واقع، زمینه‌ای که هم‌اکنون ذکر شد، ظاهراً جزئی از امر مطلق است؛ زیرا کانت ظاهراً بعد در همین فقره می‌گوید: «همه قوانین اراده را باید بتوان» از این «زمینه عملی برترین» استنتاج کرد.

14. This line of thought seems to be supported by several remarks Kant makes. (P, 75)

ترجمه مترجمان: این مشی فکری به وسیله نکاتی چند که کانت مطرح کرده است، تأیید می‌شود.

توضیح: مترجمان در این جمله نیز تعبیر seems را که به معنای «به نظر می‌رسد» یا «ظاهر» است، در ترجمه منعکس نکرده‌اند.

ترجمه پیشنهادی: این مشی فکری ظاهراً به وسیله نکاتی چند که کانت مطرح کرده است، تأیید می‌شود.

15. This claim might seem surprising, for when Kant first introduced the categorical imperative in the first chapter of the *Groundwork*, he said, "since I have robbed the will of every inducement that might arise for it as the consequence of obeying any particular law, nothing is left but the conformity of actions to universal law as such, and this alone must serve the law as its principle. (P, 71 - 2)

ترجمه مترجمان: این ادعا ممکن است شگفت‌آور به

توضیح: مترجمان، واژه further to را که به معنای «پیشبرد» یا «پیشرفت دادن» است، در ترجمه نیاورده، و تعبیر end in itself را در جاهای دیگر به معنای غایت فی نفسه، و در این جا به معنای غایت مستقل ترجمه کرده‌اند در صورتی که باید یک معنا را به کار ببرند.

ترجمه پیشنهادی: ولی البته اگر کسی تا جایی که [غایت فی نفسه] در او هست، برای پیشبرد غایات دیگران نکوشد، این رفتار، یا انسانیت به صورت غایتی فی نفسه، فقط هماهنگی منفی دارد، نه مثبت.

11. If we are to understand the formula C3 we must, of course, know what is involved in treating humanity, or rational nature, as an end. (P, 77)

ترجمه مترجمان: اگر بنا باشد فرمول C3 را بفهمیم، باید از آن چه در تلقی انسانیت یا موجود عاقل به عنوان غایت نهفته است آگاه باشیم. (ص ۱۱۶)

توضیح: مترجمان در این ترجمه گرفتار دو خطا شده‌اند:

۱. تعبیر of course را که به معنای «البته» است در ترجمه نیاورده‌اند.

۲. rational nature را به «موجود عاقل» ترجمه کرده‌اند که درست نیست و به معنای ذات عاقل است؛ زیرا مؤلف برای موجود عاقل، تعبیر rational being را به کار می‌برد.

ترجمه پیشنهادی: اگر بنا باشد فرمول C3 را بفهمیم، باید البته از آن چه در تلقی انسانیت یا ذات عاقل به صورت غایت نهفته است آگاه باشیم.

12. As an illustration of this, we can imagine Kant saying that a rational being will develop its talents because it views the development of its talents as required by its nature as a rational being. (P, 73)

ترجمه مترجمان: در توضیح این مطلب می‌توان تصور کرد که کانت می‌گوید: موجود عاقل استعدادهاى خود را شکوفا می‌سازد، زیرا استعدادهاى خود را لازمه طبیعت خودش به عنوان موجود عاقل می‌بیند. (ص ۱۱۱)

توضیح: مترجمان محترم، واژه development را که به معنای پیشرفت و تکامل است، در ترجمه منعکس نکرده‌اند.

ترجمه پیشنهادی: در توضیح این مطلب می‌توان تصور کرد که کانت می‌گوید: موجود عاقل، استعدادهاى خود را شکوفا می‌سازد؛ زیرا پیشرفت و تکامل استعدادهاى خود

the motive is, we do not have it because rational nature serves some further end that we value. (P, 82)

ترجمه مترجمان: ثانیاً از آنجا که طبیعت، قائم به ذات است، انگیزه ما نهایی است بدین معنا که انگیزه، دقیقاً هر چه باشد، آن را بدین دلیل نداریم که طبیعت عقلانی به یک غایت دیگری که آن را باارزش می‌داند، خدمت کند.

توضیح: مترجمان محترم در این جمله، تعبیر must را در ترجمه نیاورده‌اند که در معنای جمله، تغییر ایجاد شده است.

ترجمه پیشنهادی: ثانیاً از آنجا که طبیعت، قائم به ذات است، انگیزه ما باید نهایی باشد بدین معنا که انگیزه، دقیقاً هر چه باشد، آن را بدین دلیل نداریم که طبیعت عقلانی به غایت دیگری که آن را باارزش می‌داند، خدمت کند.

در پایان، این نکته را یادآوری می‌کنم که موارد بسیاری از بی‌دقتی در ترجمه وجود دارد که به سبب پرهیز از اطاله کلام، از ذکر تفصیلی آن‌ها خودداری، و به ذکر اجمالی آن‌ها بسنده می‌کنیم.

برای مثال: ۱. در صفحه ۱۰۸، سطر ۸ متن فارسی، کلمه «خواست» ترجمه «the will» هست که باید به «اراده» ترجمه شود و داخل گیومه باشد که مترجمان چنین نکرده‌اند.

۲. در صفحه ۱۰۹، سطر ۱۰ متن فارسی، تعبیر «انجام A خنده‌آور است» باید داخل گیومه باشد که مترجمان چنین نکرده‌اند.

۳. در صفحه ۱۱۰، سطر ۱۷ متن فارسی، تعبیر «موجود عاقل به عنوان غایت فی نفسه وجود دارد» داخل گیومه گذاشته شده است در صورتی که در متن انگلیسی، گیومه وجود ندارد.

۴. در صفحه ۱۱۳، سطر ۸ متن فارسی، کلمه «می‌سازد» در متن انگلیسی ایتالیک نگاشته شده است در صورتی که در متن فارسی ایتالیک ثبت نشده است.

۵. در صفحه ۱۲۲، سطر ۸ متن فارسی، تعبیر این گفته که «ذات عاقل قائم به ذات است» به چه معنا است؟ اولاً قائم به ذات داخل گیومه است و ثانیاً کُل پرسش داخل گیومه قرار دارد که مترجمان به آن عنایت نداشته‌اند و نگارش درست آن چنین است: «این گفته که ذات عاقل قائم به ذات است، به چه معنا است؟»

نظر رسد، زیرا هنگامی که او برای نخستین بار امر مطلق را در فصل نخست بنیاد مطرح می‌کند، می‌گوید: من چون اراده را از هرگونه انگیزه‌ای که در پیروی از قانون ممکن است برایش دست دهد محروم کرده‌ام. دیگر جز مطابقت کلی کارهایش با قانون به‌طور عام چیزی باقی نمی‌ماند و فقط همین مطابقت با قانون است که باید به عنوان اصل اراده به کار آید. (ص ۱۰۹)

توضیح: در این جمله، واژه particular در ترجمه نیامده است؛ بنابراین، any particular law قانون خاص می‌شود، نه قانون.

ترجمه پیشنهادی: ... من چون اراده را از هرگونه انگیزه‌ای که در پیروی از قانون خاص ممکن است برایش دست دهد، محروم کرده‌ام....

16. The principle "So act in relation to every rational being (both to yourself and others) that he may at the same time count in your maxim as an end in himself" is thus at bottom the same as the principle "Act on a maxim which at the same time contains its only universal validity for every rational being." (P. 76)

ترجمه مترجمان: اصل: در حق هر موجود عاقل (خود و دیگران) چنان عمل کن که او همیشه در قاعده‌ات به‌عنوان غایتی مستقل جای داشته باشد، اساساً با این اصل یکسان است که: طبق چنان قاعده‌ای رفتار کن که در عین حال متضمن اعتبار عام خود برای هر موجود عاقل باشد.

توضیح: مترجمان محترم در این جمله، گرفتار دو خطا شده‌اند:

۱. تعبیر واژه at the same time را در ابتدای جمله به معنای همیشه و در انتهای آن به معنای در عین حال معنا کرده‌اند؛ البته معنای این تعبیر به «همیشه» خطا است و باید به معنای «در عین حال» باشد.

۲. واژه only را در تعبیر its only universal validity ترجمه نکرده‌اند.

ترجمه پیشنهادی: اصل درباره هر موجود عاقل (خود و دیگران) چنان عمل کن که او در عین حال در قاعده‌ات به‌صورت غایتی مستقل جای داشته باشد، اساساً با این اصل یکسان است: طبق چنان قاعده‌ای رفتار کن که در عین حال، متضمن فقط اعتبار عام خود برای هر موجود عاقل باشد.

17. Second, since it is self-existent, our motive must be ultimate in the sense that, whatever exactly